

## بدل (۴)

پدیدآورنده (ها) : شبیری، سیدمحمدجواد

ادیان، مذاهب و عرفان :: نشریه دانشنامه جهان اسلام :: جلد ۲ (باکالیجاروکوهی - بره)

صفحات : از ۵۲۳ تا ۵۲۴

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1706734>

تاریخ داندود : ۱۴۰۲/۰۹/۲۹

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



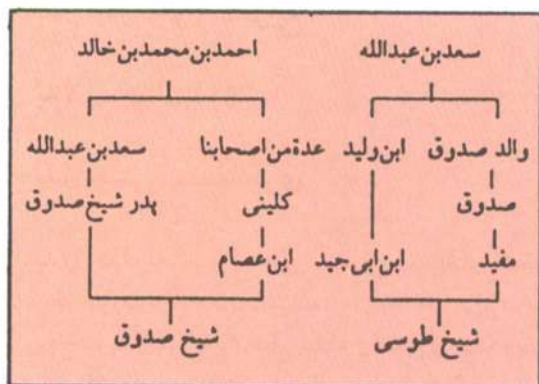
## مقالات مرتبط

- پژوهش در مذهب غیاث بن کلوب البجلی
- «عبدالله بن سبا» آن چه بود و آن چه نبود
- مشاغل و حرف اصحاب و راویان ائمه اطهار علیهم السلام تا پایان غیبت صغرا
- دلالت یا عدم دلالت آیه «لاتعاونوا علی الإثم و العدوان» بر حرمت اعانت و تعاون بر اثم و عدوان
- زرارۃ بن أعین الشیبانی، شبهات و ردود
- واکاوی نگرش علامه طباطبایی به روایات وارده در تفسیر قرآن کریم با تأکید بر مفاهیم بطن و جری
- مشارکت در حرام و معیار استناد معصیت
- بررسی امکان و وقوع منع متابعت از قطع با رویکرد به آرای امام خمینی (س)
- النعمانی و مصادر الغیبة (۲)
- ظرفیت های فقه در رویارویی با مسائل دنیای معاصر
- ظهور اطلاقی آیات و روایات کلیات مبین شریعت، با تطبیق بر آیه نهی از مؤاکله باطل
- نقش عدالت در فرآیند استنباط اول و دوم

## عناوین مشابه

- حول فتوی القراءة علی الاموات: لماذا التذییل بدل التذلیل و التاصین؟ (۴)
- فنون تدریس لغت - فصل ۴
- قواعد بزرگ و کوچک نویسی در زبان آلمانی - ۴
- جلسة ۴ من یونیه سنة ۱۹۵۱
- جلسة ۴ من مارس سنة ۱۹۷۶
- جلسة ۴ من ديسمبر سنة ۱۹۷۵
- جلسة ۴ من يناير سنة ۱۹۷۷
- جلسة ۴ من نوفمبر سنة ۱۹۷۵
- فصلی از یک کتاب : کتابخانه ها - ۴
- روان درمانی ارزشی (۲۰) روش شناسی روشها (۴)

حدیث آمده است، به جای آنکه از همان طریق مذکور در کتاب نقل کنند از طریق دیگر که به شیخ مصنف می‌رسد روایت کنند، به گونه‌ای که اگر این روایت از راه خود مصنف صورت می‌پذیرفت تعداد افراد سلسله سند بیشتر می‌شد، موافقت صورت گرفته است؛ و سندی که از غیر طریق مصنف باشد، نسبت به سندی که از طریق مصنف باشد کم واسطه‌تر است و در نتیجه عالی خوانده می‌شود. حال اگر این سند کوتاه‌تر به جای اتصال به شیخ مصنف، به شیخ شیخ مصنف برسد، بدل خوانده می‌شود که در واقع، حالت خاصی از موافقت است (ابن صلاح، ص ۳۸۴؛ ابن حجر عسقلانی، ص ۱۲۴؛ سیوطی، ج ۲، ص ۱۵۰؛ مامقانی، ج ۱، ص ۲۴۹). برای مثال، شیخ صدوق در آثار خود روایات بسیاری با یک واسطه از کلینی نقل کرده و این واسطه را در مشیخه من لایحضره الفقیه نام برده است (ص ۱۱۶)؛ اما گاهی برخی از آن روایات را از غیر طریق کلینی از علی بن ابراهیم، استاد کلینی، نیز نقل کرده است. در نتیجه واسطه او به استاد کلینی، در این طریق کمتر از طریق نخست است؛ به این، موافقت می‌گویند (ابن بابویه، التوحید، ص ۹۷، حدیث ۱؛ قس: کلینی، ج ۱، ص ۱۰۶، حدیث ۸). او همچنین گاهی با دو واسطه از استاد کلینی روایت می‌کند، و حال آنکه اگر از طریق کلینی نقل می‌کرد، واسطه سه نفر می‌شد، و در این حالت، بدل روی می‌داد (ابن بابویه، التوحید، ص ۱۰۴، حدیث ۱؛ قس: کلینی، ج ۱، ص ۸۵، حدیث ۷). در مورد شیخ طوسی نیز نمونه‌هایی از بدل و موافقت دیده می‌شود. او بنابر فهرست (ص ۲۵) با سه واسطه به احمد بن محمد بن عیسی، استاد کلینی، می‌پیوندد و حال آنکه شماره واسطه‌های او به این فرد از طریق کلینی چهار تا است (همان، ص ۱۳۵). همچنین او از طریق شیخ مفید با دو واسطه و از طریق ابن ابی جید با یک واسطه به محمد بن حسن بن ولید می‌پیوندد (طوسی، تهذیب، مشیخه، ص ۵۹-۶۰).



بنیاد دایرة المعارف اسلامی

اسنادنامه

در بدل، اگر تعداد سلسله از شیخ شیخ مصنف تا معصوم،

کراچی [عثمان غنی، هوندا، و میکی، ص ۱۳-۱]، در یکی از عطاریهای تهران [صلاح الدین احمد، هوندا، و میکی، ص ۵-۱]، یکی از عطاریهای قاهره [همان، ص ۱۱-۱۵] و مراکش [همان، ص ۱۶-۲۴]، در یکی از عطاریهای استانبول [یشیر، هوندا، و میکی، ص ۱-۶]، و در یکی از عطاریهای تونس [ابن اخضر، هوندا، و میکی، ص ۱-۳]، هنوز مسئله نیاز به ابدال کمابیش باقی است و داروپزشکان و درمانگران سنتی، که همچنان از اطلاعات تکراری و تقلیدی منابع قدیم استفاده می‌کنند (مثلاً، در ایوان، از ذخیره خوارزمشاهی اسمعیل جرجانی، [تألیف در ۵۰۴]، اختیارات بدیعی حاج زین عطار [قرن هشتم]، تحفه حکیم مؤمن [متعلق به روزگار شاه سلیمان صفوی] و جز اینها)، ابدال مذکور در آن منابع را محتملاً تجویز می‌کنند.

منابع: ابن بیطار، الجامع لمفردات الادویة والاغذیة، بلاق ۱۲۹۱؛ ابن مراد، المصطلح الأعجمی فی کتب الطب و الصيدلة العربیة، بیروت ۱۹۸۵

K. H. C. Başer, Gisho Honda, and Wataru Miki, *Herb drugs and herbalists in Turkey*, Tokyo 1986; Ibn Akhdar, Gisho Honda, and Wataru Miki, *Herb drugs and herbalists in the Maghrib*, Tokyo 1982; Martin Levey, *Substitute drugs in early Arabic medicine*, Stuttgart 1971; M. Salah Ahmed, Gisho Honda, and Wataru Miki, *Herb drugs and herbalists in the Middle East*, Tokyo 1979; Fuat Sezgin, *Geschichte des arabischen Schrifttums*, Bande III: Medizin, Pharmazie, Zoologie, Tierheilkunde bis ca. 430 H., Leiden 1970; Khan Usmanhani, Gisho Honda, and Wataru Miki, *Herb drugs and herbalists in Pakistan*, Tokyo 1986.

/ هوشنگ اعلم /

بدل (۴)، از اقسام علو نسبی. علو نسبی از تقسیمات

احادیث از جهت سند است. عالی بودن حدیث، به اعتبار کم بودن افراد سلسله سند آن است، که این کمی واسطه گاه در مقایسه با معصوم (پیغمبر یا امام) سنجیده می‌شود، و گاه در مقایسه با یکی از ائمه حدیث یا مصنفان مشهور مانند حسین بن سعید اهوازی، محمد بن احمد بن یحیی، کلینی، شیخ طوسی و شیخ صدوق از محدثان شیعه، یا بخاری و مسلم از مؤلفان صحاح سته. در صورت نخست (کم بودن واسطه تا معصوم)، حدیث به علو مطلق و در صورت دوم به علو نسبی موصوف می‌شود. بدل و اصطلاح نزدیک به آن، یعنی «موافقت»، هر دو از اقسام علو نسبی اند (— علو اسناد).

هرگاه روایتی را که در یکی از مصنفات معتبر و مشهور

پرداخت این بدل را، که فاصله افتادن بین مالک و دارایی اوست، توضیح می‌دهد.

بیشتر فقها این مسأله را در مبحث غصب بررسی کرده‌اند، ولی چون حکم آن شامل مواردی غیر از غصب نیز می‌شود، برخی از ایشان در بابهای دیگر از فقه نیز به طرح آن پرداخته‌اند؛ از جمله شیخ انصاری (ص ۱۱۱) در مبحث ضمان مثلی و قیمی، و شاگردان و مؤلفان بعد از وی نیز، به پیروی او در همانجا موضوع بدل حیلولة را پیش کشیده‌اند (از جمله - طباطبایی یزدی، ص ۱۱۰؛ آملی، ج ۱، ص ۳۷۳؛ اصفهانی، ج ۱، ص ۱۰۶؛ توحیدی، ج ۳، ص ۳۵۴؛ امام خمینی، ج ۱، ص ۴۳۱). همچنین در بحث اقرار در موردی که شخص مقِر در حق کسی اقرار کند که باید مالی معین (عین) را به او بپردازد و سپس در حق کس دیگر درباره همان مال معین اقرار کند؛ با توجه به اینکه دادن این مال به هر دو نفر ممکن نیست. مقر به شخص دوم، ازینرو که موجب «حیلولة» بین او و مالش شده است، غرامت پرداخت می‌کند (طوسی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۱۷؛ شهید ثانی، الروضة البهیة، ج ۶، ص ۴۲۱).

اصطلاح حیلولة در کتابهای فقهی امامیه، بعد از شیخ طوسی (متوفی ۴۶۰) دیده می‌شود و در آثار فقهی اهل سنت نیز گاه این تعبیر به کار رفته است؛ از جمله نووی (متوفی ۶۷۶) این واژه را برای بیان مبنای حکم به ضمان استعمال کرده است (ج ۵، ص ۵۵).

برای روشن شدن موضوع بدل حیلولة، این اشاره لازم است که هرگاه مال کسی در دست ضامن تلف یا از مالیت ساقط شود، فقه نسبت به ثبوت بدل بر ذمه ضامن اتفاق نظر دارند و صاحب مال قطعاً مالک این بدل می‌شود (- ضمان \*).

اما بدل حیلولة در جایی مطرح است که تسلیم مال با فرض وجود آن، به عللی، ناممکن باشد؛ مثل آنکه مرکبی را به سرقت ببرند و مرکب بگریزد، یا کسی مرکبی را غصب کند و مرکب به سرقت برود یا غاصبی مال غصب شده را در ساخت یک بنا یا یک دستگاه به کار برده باشد به طوری که لازمه بازگرداندن آن مال به صاحبش، ویران کردن بنا یا از هم گسستن دستگاه و چه بسا تحمّل زیان بسیار، و احیاناً وقوع خطر جانی باشد (طوسی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۹۵؛ ابن زهره، ص ۵۳۸؛ ابن ادریس، ج ۲، ص ۴۸۶؛ محقق حلی، ج ۳، ص ۲۴۱؛ نووی، همانجا؛ ابن قدامة، ج ۵، ص ۴۲۴).

بسیاری از فقهای امامی، در این موارد به منظور جبران قطع سلطنت مالک بر مالش، به ثبوت بدل حیلولة حکم کرده‌اند، و حتی برخی گفته‌اند که این حکم نزد امامیه اجماعی است؛ هر چند کسانی دیگر با مناقشه در دلایل، این حکم را اساساً نپذیرفته‌اند. شیخ طوسی، نخستین فقیه امامی است که این

در هر دو روایت یکسان باشد، لازمه بدل، علو مطلق نسبت به معصوم خواهد بود، ولی منشأ علو مطلق، علو نسبی در قطعه‌ای از سلسله سند بوده است.

دو اصطلاح موافقت و بدل تنها در صورت علو اسناد معنا ندارد، بلکه در مواردی که سند روایتی را از غیرطریق مصنف به شیخ او می‌رسانند و تعداد واسطه‌ها مساوی یا بیشتر است، باز هم اصطلاح موافقت به کار می‌رود، و به همین منوال، اگر از طریقی غیرطریق مصنف به شیخ شیخ او برسند، اصطلاح بدل کاربرد دارد. به همین دلیل، برای تمییز این کاربرد از اصطلاح اصلی، گاه در آن موارد، موافقت و بدل را با کلمه «عالی» به کار می‌برند (ابن صلاح، همانجا).

منابع: ابن بابویه، التوحید، چاپ هاشم حسینی طهرانی، قم [تاریخ مقدمه ۱۳۵۷ ش]؛ همو، من لایحضره الفقیه، چاپ حسن موسوی خراسان، بیروت ۱۳۸۱/۱۴۰۱، مشیخه؛ ابن حجر عسقلانی، شرح نخبه الفکر فی مصطلح اهل الاثر، چاپ محمد عوض و محمد غیاث صباع، دمشق [تاریخ مقدمه ۱۳۹۹/۱۹۷۹]؛ ابن صلاح، مقدمه ابن الصلاح، چاپ عائشه عبدالرحمن، مصر ۱۹۷۴؛ عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی، تدریب الراوی فی شرح تقریب النوای، چاپ احمد عمر هاشم، بیروت ۱۳۸۹/۱۴۰۹؛ محمد بن حسن طوسی، تهذیب الاحکام، چاپ حسن موسوی خراسان، بیروت ۱۳۸۱/۱۴۰۱، مشیخه؛ همو، الفهرست، چاپ محمد صادق آل بحر العلوم، نجف ۱۳۳۷/۱۳۵۶، چاپ افست قم ۱۳۵۱ ش؛ محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، چاپ علی اکبر غفاری، بیروت ۱۴۰۱؛ عبدالله مامقانی، مقیاس الهدایة فی علم الدرایة، چاپ محمدرضا مامقانی، قم ۱۴۱۱.

/ سید محمد جواد شبیری /

## بدل (در تصوف) - ابدال

## بدل (در فقه) - بدل حیلولة

## بَدَل (در نحو) - توابع

## بَدَلَا - ابدال (۲)

## بدل چینی - سفالگری

بدلِ حیلولة، اصطلاح فقهی حقوقی به معنای آنچه ضامن در صورت عدم امکان بازگرداندن مال به مالک می‌پردازد. این پرداخت به منظور جبران قطع سلطه و استیلای مالک بر همه تصرفات مالکانه نسبت به آن مال صورت می‌گیرد. واژه بدل دلالت بر جایگزینی مثل یا قیمت به جای اصل مال دارد، و واژه «حیلولة»، به معنای حایل شدن میان دو چیز، سبب